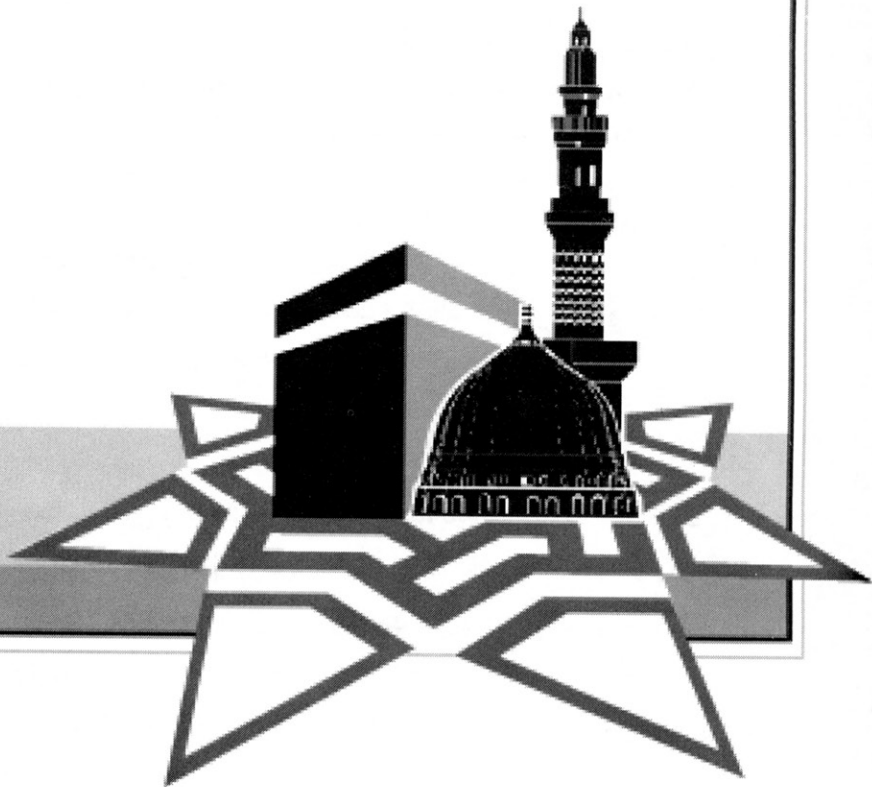
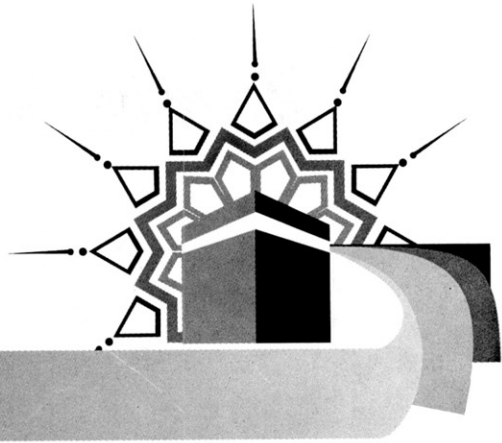


فقه حجة



# میقات

محمد رحمانی



## پیشگفتار

در مقاله پیشین وعده داده شد که سلسله مقالاتی درباره «موضوع‌شناسی فقهی حج» به رشته تحریر درآید و به خوانندگان علاقه‌مند مجله، تقدیم گردد و اینک پس از بررسی بحث «استطاعت» مبحث «میقات» مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. میقات گام نخست زائر خانه خدا است و احکام فراوانی دارد. مطالب زیادی درباره میقات شایسته بحث و تحقیق است؛ از قبیل مباحث عرفانی، تاریخی، جغرافی و فقهی. این نوشته در پی آن بخش از مباحث فقهی است که در تبیین هرچه بیشتر این موضوع فقهی مؤثر است.

## پیشینه بحث

بررسی تاریخ مطالب علمی و کیفیت طرح و عنوان آنها، به ویژه مباحث فقهی، نقش بسزایی در روشن شدن آنها دارد؛ زیرا نظرات فقهای صدر اول، از فرمایشات ائمه -علیهم السلام- گرفته شده و از این رو اشاره‌ای اجمالی به سرگذشت این بحث نیز ضروری است.

۱ - شیخ صدوق (۳۸۱ هـ.ق) در المقنع می‌نویسد:

«میقاتهایی را که رسول خدا -ص- معین کرده، عبارتند از: ۱ - قرن المنازل برای



اهالی طائف ۲ - یلملم برای اهالی یمن ۳ - مَهَیْعَه (جحفه) برای اهالی شام  
 ۴- ذی‌الحلیفه (مسجد شجره) برای اهالی مدینه ۵ - وادی عقیق برای اهالی  
 عراق»<sup>۱</sup>

همو در کتاب الهدایه نیز همین عبارت را تکرار کرده است که جهت جلوگیری از تکرار  
 بی‌فایده، از آوردن عبارت آن، خودداری می‌شود.<sup>۲</sup>

۲ - شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳) در کتاب المقنعه می‌نویسد:  
 «همانا رسول خدا - ص - برای هر گروهی میقاتی تعیین کرد که از آن احرام ببندند.  
 پوشش احرام پیش از میقات و یا پس از آن جایز نیست ...<sup>۳</sup>  
 آنان که در داخل میقات و در فاصله‌ای کمتر از میقات تا مکه ساکنند، هرگاه قصد انجام  
 حج و عمره را داشته باشند، محل سکونت آنان میقاتشان است، بنابر این از منزل خود محرم  
 می‌شوند و آنان که ساکنان غیر بومی و در مجاورت مکه هستند، آنگاه که اراده حج یا عمره  
 کردند، به یکی از میقاتهای خویش رفته و از آنجا محرم می‌شوند و اگر رفتن به میقات اهل  
 خویش، خارج از توان باشد، از بیرون حرم محرم می‌گردند.»

۳ - سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶) در کتاب جمل العلم والعمل می‌نویسد:  
 «میقات اهالی مدینه منوره، مسجد شجره است که همان ذوالحلیفه باشد ... مجاور  
 در مکه (مهاجر) هرگاه بخواهد حج و عمره انجام دهد، به یکی از میقاتهای اهل  
 خویش رفته و از آنجا احرام می‌پوشد و اگر این کار خارج از توانش بود، از بیرون حرم  
 محرم می‌شود.»<sup>۴</sup>

۴ - حلبی (۳۴۷-۴۴۷) در کتاب کافی پس از بیان فقهای پیشین، می‌فرماید:  
 «شخصی که منزل او در فاصله کمتر از میقات تا مکه قرار گرفته، جایز است از  
 همانجا احرام بیوشد گرچه احرام بستن از میقات فضیلت بیشتر دارد. و مجاور مکه  
 (مهاجر) میقاتش همان میقات شهر خودش می‌باشد و او می‌تواند از جمرانه محرم  
 گردد و چنانچه زمان تنگ باشد از بیرون حرم احرام جایز است. و میقات شخصی که  
 عمره انجام می‌دهد میقات اهالی شهر خودش می‌باشد. بنابر این اگر از مکه قصد  
 عمره دارد از خارج حرم احرام بندد، گرچه میقات اهالی شهر خودش بهتر است.  
 ساکنان مکه مخیرند میان دیگر میقاتها.»<sup>۵</sup>

۵ - شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) در کتاب النهایه پس از بیان مواقیت پنجگانه، که فقهای

پیش از او گفته‌اند، می‌نویسد:

«کسی که مجاور مکه است باید از میقات اهل خودش احرام ببندد، اگر نمی‌تواند از بیرون حرم، و اگر اینهم ممکن نشد از داخل مسجد محرم می‌شود.»<sup>۶</sup>

۶ - سلار (۴۶۳) در مراسم پس از بیان مواقیت پنجگانه، می‌گوید:

«ساکنان در حرم و کسانی که در حکم آنان می‌باشند (مجاور)، از خانه‌شان احرام می‌بندند و غیر اهل حرم بر دو قسم هستند:

۱ - کسی که فقط برای حج احرام می‌بندد.

۲ - کسی که برای حجی که پس از عمره تمتع است احرام می‌بندد.

گروه اول باید فقط از میقات الحرام ببندند و گروه دوم از زیر ناودان.

و اما شخصی که قصد انجام عمره دارد نمی‌تواند احرام ببندد مگر از میقات، چه از اهل مکه باشد و چه غیر اهل مکه.<sup>۷</sup>

۷ - قاضی (۴۰۰-۴۸۱) در کتاب جواهر این بحث را متعرض نشده و تنها به بیان این

که احرام پیش از میقات باطل است، پرداخته.<sup>۸</sup>

همو در کتاب کافی مواقیت پنجگانه را آورده و حدود هر یک را نیز مشخص می‌کند.

۸ - ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵) در غنیة النزوع، پس از بیان مواقیت پنجگانه می‌نویسد:

«میقات مجاور مکه، میقات اهل اوست و اگر نتواند از خارج حرم و اگر باز هم نتوانست از داخل مسجد احرام ببندد.»<sup>۹</sup>

۹ - ابن حمزه در وسیله، تنها به بیان مواقیت پنجگانه بسنده کرده و چیزی بر آن

نیفزوده است.<sup>۱۰</sup>

۱۰ - ابن ادریس در سرائر پس از بیان مواقیت پنجگانه می‌فرماید:

«احرام اهالی مصر و کسانی که بالاتر از دریا هستند، جدّه است. این مطلب را فقط

ابن ادریس بیان کرده و افزون بر این مطلب می‌فرماید: مجاور در مکه، اگر کمتر از

سه سال در آن ساکن باشد برای احرام باید به میقات اهل خودش برود.»<sup>۱۱</sup>

۱۱ - علامه (۶۰۲-۶۷۶) در مختصرالنافع فرموده:

«میقاتها شش تا است ... یکی از آنها شهر مکه است، برای کسی که حجة الاسلام

انجام می‌دهد. و سپس می‌گوید: شخصی که منزلش از میقات به مکه نزدیکتر است

و هر کس از راهی بگذرد میقاتش همان میقات اهلس است و اطفال در فسخ برهنه

می‌شوند (احرام می‌بندند).»<sup>۱۲</sup>

فقها گرچه در اصل میقاتهای پنجگانه اتفاق نظر دارند، لیکن در خصوصیات محدوده

و ابتدای آنها اختلاف نظر دارند. افزون بر آن در برخی از موارد این که جده نیز از



مواقیت به شمار می‌آید، در کلام ابن ادریس آمده بود ولی دیگران متعرض آن نشده بودند و یا این که فسخ میقات اطفال است در کلام علامه حلی آمده بود و دیگران از بیان آن سکوت اختیار کرده بودند و یا این که با نذر می‌شود از غیر میقاتهای پنجگانه احرام پوشید در کلام شیخ آمده بود و فقهای پیش از او این مطلب را بیان نکرده بودند. اینها و برخی دیگر، از موارد اختلافی فقها در مبحث میقات است.

### دیدگاه فقهای اهل سنت در میقات

از جمله مواردی که فقیهان اهل سنت با فقهای امامیه اختلاف دارند «میقات» است. اکنون شایسته می‌نماید که دیدگاههای فقیهان اهل سنت را نیز به اختصار گزارش کنیم: در کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» پس از تقسیم میقات به «زمانی» و «مکانی»، به میقاتهایی که احرام پوشیدن از آنها صحیح است، می‌پردازد و می‌نویسد:

«اما میقات مکانی به اختلاف جهات مختلف می‌گردد؛ از این رو میقات اهالی مصر و شام و مغرب و کسانی که بعد از آنها هستند؛ یعنی اهالی اندلس، روم و تکرور جحفه است و اینها از این مکان و یا از محاذی آن احرام می‌بندند؛ زیرا در احرام پوشیدن لازم نیست بطور حتم در خشکی از آن بگذریم بلکه ملاک در پوشیدن احرام یکی از دو امر است؛ یا گذشتن از میقات و یا گذشتن از محاذی آن، گرچه در دریا باشد. و میقات اهل عراق و دیگر اهالی مشرق ذات عرق است و میقات مدینه منوره ذوالحلیفه است و میقات اهالی یمن و هند یلملم است و میقات اهل نجد قرن است و این حکم با این تفصیلات و اجمال آنها عبارت است از این که واقیت برای اهالی آن و یا برای کسانی که از آنها عبور کنند و واجب است حاجی از میقات محرم گردد و مرور از آن بی احرام جایز نیست و چنانچه بی احرام عبور کند واجب است برگردد و اگر نتواند حج او صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد، در هر صورت این احکام مورد اتفاق مذهب شافعی و حنبلی می‌باشد. و شخصی که در مکه ساکن است چه دایم و چه موقت، میقاتش خود مکه است و لازم نیست شخصی که اهل مکه نیست جهت احرام به بیرون مکه برود گرچه زمان واسع باشد.

کسانی که محل سکونت آنها بعد از میقات و پیش از مکه باشد، میقات آنها همان محل سکونت است زیرا بجز مذهب مالکی بطور اتفاق گفته‌اند: میقات چنین فردی مسکن او است.»<sup>۱۳</sup>

حنفی گفته است:

«عبور بدون احرام از میقات حرام است و لازم است قربانی کند. چنانچه پیش روی او میقاتی نباشد در چنین صورتی بهتر بستن احرام پیش از میقات است چنانچه اطمینان دارد از مرتکب نشدن به اعمال منافی احرام، در غیر این صورت بهتر به تأخیر انداختن احرام است تا میقاتهای بعدی.»<sup>۱۴</sup>

مالکیه می‌گویند:

«هر کسی در حال گذر و عبور از میقاتها است باید در آن احرام ببندد و چنانچه بی احرام بگذرد، مرتکب حرام شده و قربانی لازم است، مگر این که پیش روی آن میقات، که از آن عبور نموده، میقاتی هست و بنا دارد در آنجا احرام ببوشد، در این صورت احرام بستن از میقات پیش مستحب است و اگر محرم نشد گناهی مرتکب نشده و قربانی لازم نیست و تنها مخالفت با مستحب نموده است.»<sup>۱۵</sup>

روشن است که فقهای اهل سنت، ضمن داشتن اختلاف با شیعه در شمار میقاتها در احکام نیز اختلاف دارند و میان مکتبهای فقهی خود اهل سنت نیز اتفاق رأی وجود ندارد.

### وجوب آشنایی با میقات

از مطالبی که در این نوشته لازم است بدان پرداخته شود، این است که «شناخت میقات» واجب است. بسیاری از فقها در بحث از میقات، از جمله مطالبی را که بیان کرده‌اند، «وجوب شناخت میقات» است. شیخ طوسی می‌فرماید:

«معرفة المواقیت واجبة لأن الإحرام لا یجوز الآ منها.»<sup>۱۶</sup>

«شناختن میقاتها واجب است؛ زیرا احرام پوشیدن جایز نیست مگر از میقاتها.»

ابن ادریس می‌فرماید:

«معرفة المواقیت واجبة لأن الإحرام لا یجوز الآ منها.»<sup>۱۷</sup>

«شناختن میقاتها واجب است؛ زیرا احرام پوشیدن جایز نیست مگر از میقات.»

علامه در منتهی‌المطالب می‌نویسد:

«معرفة المواقیت واجبة لأن الإحرام رکن لا یصح الآ منها المتوقف علی معرفتها وما

لا یتم الواجب الآ به فهو واجب.»<sup>۱۸</sup>

«آشنایی با میقاتها واجب است؛ زیرا احرام که رکن حج می‌باشد صحیح نیست مگر این که از میقات انجام پذیرد و احرام از میقات بستگی دارد به شناخت میقات. پس آنچه که واجب بستگی بدان دارد واجب است.»

## میقات مکانی و میقات زمانی

همانگونه که در مبحث میقات در نگاه ارباب لغت پیش از این گذشت؛ میقات دو قسم است: میقات زمانی و میقات مکانی درباره میقات مکانی پس از این بحث خواهد شد و اما میقات زمانی در این که احرام پوشیدن برای عمره تمتع و حج تمتع و حج قران و حج افراد زمان خاصی در نظر گرفته شده میان فقها اختلافی وجود ندارد، اختلاف در این است که برخی زمان را محدود به ماه شوال، ذی قعدة و دهه اول ذی حجه - به مقداری که بتواند پس از احرام اعمال حج را انجام دهد - می‌دانند. این نظر مشهور فقها است. برخی از فقها زمان احرام را ماه شوال، ذی قعدة و ده روز از ذی حجه دانسته‌اند، و برخی دیگر سه ماه شوال، ذی قعدة و تمام ذی حجه را برشمرده‌اند.

اختلاف اقوال فقها، از تفسیر آیه: «الحج أشهر معلومات فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج...»<sup>۱۹</sup> ناشی شده است.

«حج در ماههایی معلوم و مشخص واجب شده است، پس هر کس در آن ماهها فریضة حج می‌گذارد، آمیزش با همسران و نافرمانی خدا و ستیزه در حج نیست.»  
برخی «اشهر» را به ماه شوال و ذی قعدة و سه روز از ذی حجه و گروهی شوال و ذی قعدة و ده روز از ذی حجه و گروه سومی به شوال و ذی قعدة و تمام ذی حجه تفسیر کرده‌اند.

ابن ادریس می‌نویسد:

«برخی از فقهای شیعه گفته‌اند اشهر حج، سه ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه است و برخی گفته‌اند شوال و ذی قعدة و نه روز از ذی حجه و به نظر برخی آن دو و ده روز از ذی حجه است.»<sup>۲۰</sup>

سپس قول اول را به شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب نهاییه<sup>۲۱</sup> نسبت می‌دهد و قول دوم را به شیخ در کتاب الجمل و العقود<sup>۲۲</sup> و قول سوم را به شیخ در کتاب خلاف<sup>۲۳</sup> و مبسوط<sup>۲۴</sup> منسوب می‌داند.

بنابراین، اصل «میقات زمانی» در نظر فقها مسلم است و اختلاف در حد و اندازه آن است.

## شمار میقاتهای مکانی از نگاه احایث

از جمله مباحثی که میان فقها مورد اختلاف بوده و شایسته نقد و بررسی است، تعداد

میقاتها است؛ زیرا احادیث در این باره گوناگون است که بطور اجمال به آنها اشاره می‌گردد:

۱ - برخی از روایات، تعداد مواقیت را پنج تا شمرده است؛ از جمله آن روایات، صحیحۀ حلبی است که نقل می‌کند:

امام صادق -ع- فرمود: «احرام از میقات‌های پنجگانه است که رسول خدا -ص- آنها را تعیین کرده و سزاوار نیست حاجی و معتمر (شخصی که قصد انجام عمره دارد) پیش از میقات یا بعد از آن، احرام ببندد.»<sup>۲۵</sup>

۲ - برخی از روایات شمار مواقیت را شش مورد بیان کرده‌اند؛ از جمله صحیحۀ معاویة ابن عمار است که گوید:

امام صادق -ع- می‌فرماید: «تمامیت (و صحّت) حج و عمره به این است که از میقاتهایی که رسول خدا -ص- تعیین کرده، احرام ببندی و نباید از آنها بگذری مگر این که در حال احرام باشی. سپس امام -ع- پنج میقاتی را که رسول خدا -ص- برای گروههای مختلف تعیین کرده، برمی‌شمرد و در آخر می‌فرماید: و میقات شخصی که محل سکونت او بعد از این مواقیت به طرف مکه باشد، همان محل سکونت اوست.»<sup>۲۶</sup>

بنابر این مواقیت، مطابق این حدیث، شش مورد است.

۳ - برخی از روایات، افزون بر آن مواقیت، جعرانه را نیز از مواقیت به شمار آورده است، مثل صحیحۀ معاویة بن عمار که از امام صادق -ع- نقل می‌کند که فرمود:

«پیامبر اسلام سه عمره در زمانهای مختلف انجام داد؛ از جمله بعد از برگشت از طائف در جنگ حنین از جعرانه محرم شد.»<sup>۲۷</sup>

از این روایت استفاده می‌شود که یکی از میقاتها جعرانه است. روایات دیگری نیز به این مضمون هست<sup>۲۸</sup> که از آوردن همه خودداری می‌شود.

۴ - برخی از روایات مسجد تنعیم را میقات شمرده‌اند؛ از جمله صحیحۀ جمیل بن دزاج که گفته است:

«از امام صادق -ع- از حکم زن حائضی که در روز هشتم (یوم الترویة) به مکه آمده پرسیدم امام -ع- فرمود: با همین حالت به عرفات برود و این اعمال را بعنوان حج به شمار بیاورد سپس مدت زمانی که پاک می‌گردد در مکه بماند. بعد از پاک شدن به مسجد تنعیم برود و احرام ببندد و این اعمال را عمره به شمار آورد.»<sup>۲۹</sup>

۵ - برخی از روایات افزون بر جعرانه، حدیبیه را نیز از مواقیت شمرده است در

صحیحۀ عمر بن یزید آمده که امام صادق -ع- فرمود:





«شخصی که بخواهد از مکه بیرون رود تا عمره انجام دهد، از جعرانه و یا حدیبیه و یا همانند این دو، احرام ببندد.»<sup>۳۰</sup>

بنابر این، یکی از مواقیت که در روایات از آن اسم برده شده حدیبیه است.

۶- برخی از روایات میقات صبیان را فسخ بیان کرده؛ از جمله روایت معتبر ایوب ادیم است که امام در مقام پاسخ این پرسش که کودکان از کجا برهنه می‌شوند (لباسهای دوخته بیرون آورده می‌شود)؟ فرمود: پدرم کودکان را از فسخ برهنه (محرم) می‌کرد.<sup>۳۱</sup>

۷- گروهی از روایات مانند صحیحۀ عمرو بن حرث صیرفی مکه را میقات برای حج بیان کرده است. صیرفی از امام -ع- سؤال می‌کند:

«برای حج از کجا احرام ببندم؟ امام صادق -ع- در پاسخ می‌فرماید: اگر بخواهی از محل سکونت یا از کعبه و یا در مسیر (خیابان) می‌توانی محرم گردی.»<sup>۳۲</sup>

۸- محاذات نیز طبق برخی از روایات؛ یکی از میقاتها به شمار آمده است؛ صحیحۀ عبدالله بن سنان از آن جمله است که از امام صادق -ع- نقل می‌کند فرمود:

«هر کس در مدینه زندگی می‌کند و بخواهد به مدت یک ماه و مانند آن حج انجام دهد و تصمیم بگیرد از راه مدینه خارج نگردد پس هرگاه در محاذی شجره و بیداء، در فاصله شش میل برسد باید از همانجا احرام ببندد.»<sup>۳۳</sup>

این روایت گرچه در مورد محاذی مسجد شجره است، لیکن اختصاصی بدان ندارد و فقها حکم را به محاذی دیگر مواقیت نیز سرایت داده‌اند.

۹- در بخشی از روایات، ادنی‌الحل را میقات برای اشخاصی که بخواهند عمره مفردۀ پس از حج قران و افراد انجام دهند به شمار آورده است. یکی از روایات که دلالت بر این مدعی دارد، صحیحۀ عمر بن یزید است<sup>۳۴</sup> که پیش از این گذشت. و مورد استدلال، ذیل صحیحۀ است که دارد: هر کس بخواهد از مکه خارج گردد و عمره انجام دهد، به جعرانه و یا حدیبیه و همانند آن دو، برود. این جمله و ما اشبهها، اطلاق دارد و تمامی اطراف حرم را دربر می‌گیرد.

۱۰- طبق بیان برخی از روایات، انسان می‌تواند با نذر هر محلی را میقات خویش قرار دهد، از جمله آن روایات است صحیحۀ حلبی که گوید:

«از امام صادق -علیه‌السلام- درباره مردی که به جهت شکر برای خدا نذر می‌کند از کوفه احرام بیوشد پرسیدم. امام صادق -ع- فرمود: باید از کوفه احرام بیوشد و باید برای خدا به آنچه گفته است وفا کند.»<sup>۳۵</sup>

روایت دیگری نیز به این مضمون رسیده است که از نظر سند و دلالت تمام است. ۳۶  
 برخی از فقها در مقابل این نظر فرموده‌اند: احرام در غیر میقات باطل است گرچه نذر  
 شده باشد. ابن ادریس از این گروه است. وی گوید:

«سخن روشن‌تر که مقتضای ادله و اصول مذهب شیعه است، این است که احرام  
 بجز از میقات منعقد نمی‌گردد؛ چه مورد نذر واقع گردد و یا مورد نذر نباشد، زیرا نذر  
 احرام از غیر میقات خلاف آن چیزی است که از جانب شارع تشریح شده است.» ۳۷  
 سپس این قول را به سید مرتضی، ابن عقیل و شیخ طوسی نسبت می‌دهد.

### جمع بندی

مستفاد از روایات این است که شمار میقاتها بطور اجمال عبارتند از:

- ۱ - مسجد شجره ۲ - جحفه ۳ - یلملم ۴ - قرن المنازل ۵ - عقیق ۶ - محاذات مواقیت
- ۷ - ادنی‌الحل ۸ - محل سکونت ۹ - مکه ۱۰ - فح ۱۱ - مسجد تنعیم ۱۲ - جعرانه ۱۳ - حدیبیه
- ۱۴ - مکانی که با نذر باید از آنجا احرام بسته شود.

این موارد، از آنچه که برخی از فقها فرموده‌اند بیشتر است و مباحث زیادی درباره‌ی این  
 مواقیت قابل طرح و بررسی است از جمله:

۱ - چرا جعرانه، مسجد تنعیم و حدیبیه جداگانه از مواقیت به شمار آمده‌اند، با این که  
 بیان «ادنی‌الحل» ما را از آنها بی‌نیاز می‌کرد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: ادنی‌الحل دربر  
 گیرنده‌ی این سه هست لیکن برخی از فقها احتمال خصوصیت و موضوعیت برای این مکانها  
 داده‌اند و مطلق ادنی‌الحل را کافی ندانسته‌اند گرچه بسیاری از فقها احرام از ادنی‌الحل را کافی  
 شمرده‌اند و احرام از این سه مکان را حمل بر افضل و استحباب کرده‌اند.

۲ - از جمله مباحثی که درباره‌ی موضوع شناسی فقه درخور تحقیق و بررسی است،  
 تعیین محدوده و مساحت این مواقیت است؛ بطور مثال آیا مکه که میقات حاجی است، شامل  
 تمامی آن قسمتهایی است که امروز صدق مکه می‌کند یا فقط مکه قدیم مراد است؟ و آیا  
 شجره که میقات اهالی مدینه است فقط مسجد را شامل است یا این که شجره نام منطقه  
 است؛ همانند «مسجد سلیمان» در ایران.

و آیا محاذات که میقات است، حد و مقدار آن چقدر است؟ در هر فاصله‌ای محاذات  
 صدق می‌کند یا نه و آیا محاذات در فضا نیز صادق است یا خیر؟



و بالأخره آیا مسجد تنعیم که میقات است، مکان اصلی مسجد تنعیم مکان فعلی بوده و فقط گسترش پیدا کرده و یا مسجد تنعیم جای دیگری بوده است؟ این پرسشها و پرسشهای دیگری همانند اینها رابطه مستقیم دارد با موضوع شناسی فقه که نقد و بررسی آنها مقاله‌ای مستقل می‌طلبد.

۳- گرچه در آغاز به حسب ظاهر، در مدلول برخی از این روایات با برخی دیگر، تعارض و تناقض دیده می‌شود لیکن با دقت بیشتر روشن و معلوم می‌شود که تعارضی وجود ندارد به این جهت که: اختلاف «تعداد» در روایات، ناشی از اختلاف «جهت» است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف - پیامبر - ص - به لحاظ راههایی که در آن زمان محل عبور و مرور اقوام و گروهها بوده، پنج مورد را به عنوان میقات تعیین کرده است و آن احادیث در مقام بیان انحصار و تحدید از جهات دیگر نبوده و به عبارت دیگر در زمان پیامبر - ص - بطور غالب عبور و مرور از این پنج نقطه بوده است. از این رو این جاها به عنوان میقات بیان می‌گردد پس میان احادیثی که موافقت را پنج مورد بیان کرده با احادیث دیگر اختلافی نیست.

ب - روایاتی که موافقت را برای کسانی که بیرون از موافقت ساکنند، پنج مورد بیان کرده‌اند از آن جهت است که در مقام بیان موافقت برای افرادی بوده‌اند که از خارج مکه به آنجا می‌روند.

ج - گاهی میقاتهای عمره و حج واجب بیان می‌گردد و گاهی میقاتهای اعم از حج و عمره واجب، بطور مثال: «فخ» میقات هست لیکن نه برای حج و عمره واجب بلکه فقط برای کودکان که حج و عمره بر آنها واجب نیست.

د - و سرانجام ممکن است جمع برخی از روایات به این باشد که بعضی از میقاتها بعنوان فرد افضل بیان شود مانند روایاتی که تنعیم، جعرانه و حدیبیه را از موافقت شمرده‌اند؛ زیرا از غیر آنها نیز احرام جایز است.

با دقت در روایات ممکن است راههای دیگری نیز جهت جمع میان روایات گوناگون

باشد.

### شمار موافقت از نگاه فقها

کلمات فقها همانند روایات، در بیان «تعداد موافقت» یکسان نیست، زیرا اقوال فقها

نیز بی‌شک ریشه در سرچشمه زلال احادیث و روایات دارد. برای روشن‌تر شدن این بحث، شایسته است اقوال فقها نیز مورد نقد و بررسی قرار گیرد:

الف - برخی از بزرگان از منتهی و تحریر الأحکام علامه نقل کرده‌اند که مواقیت پنج تا است.

صاحب تفصیل الشریعه می‌نویسند: «کلمات فقهای شیعه در شمار میقات گوناگون است منتهی و تحریر میقاتها را پنج مورد می‌دانند.»<sup>۳۸</sup>

لیکن در منتهی پس از بیان این که آشنایی با میقاتها واجب است، می‌نویسد: بحث در آن، در دو مقام انجام می‌گیرد: ۱ - در تعیین مواقیت ۲ - میقاتهای پنج‌گانه را که رسول خدا - ص - تعیین کرده برمی‌شمرد؛ از جمله میقات اهل مدینه و عراق را سپس میقات کسی را که منزلش بعد از این مواقیت است. و بعد میقات صبیان را بیان می‌کند.<sup>۳۹</sup>

و در تحریر نیز، همانند منتهی، اول مواقیت منصوص سپس میقات کسی را که منزلش بعد از مواقیت است و نیز میقات صبیان را بیان می‌کند.<sup>۴۰</sup>

بنابر این علامه مواقیت را در پنج مورد منحصر نمی‌کند و این نسبت نادرست است، به ویژه این که روایاتی که میقاتها را پنج مورد دانسته در ذیل برخی از آنها میقات شخصی که محل سکونتش بعد از مواقیت است را برشمرده است.

ب - برخی از فقها فرموده‌اند مواقیت شش مورد است و این قول رأی مشهور فقها دانسته شده.

مرحوم بحرانی در حدائق می‌نویسد:

«مقام اول بحث در اقسام میقاتها است و مشهور در کلام فقهای شیعه این است که میقات شش مورد است؛ همانگونه که در اخبار آمده است.»<sup>۴۱</sup>

از جمله فقیهانی که مواقیت را شش مورد دانسته‌اند، محقق در شرایع<sup>۴۲</sup> و شهید در لمعه<sup>۴۳</sup> و بسیاری از فقهای دیگر است.

ج - از بعضی فقیهان نیز نقل شده که میقاتها هفت مورد است، در تفصیل الشریعه آمده است: «وعن بعضی آنها سبعة»؛<sup>۴۴</sup> «برخی از فقها بر این باورند که میقاتها هفت مورد است.»

د - فقیهان دیگری شمار میقاتها را ده مورد دانسته‌اند؛ از جمله آنها است سید در عروة الوثقی که افزون بر پنج میقات مشهور مکه، ده مورد را به عنوان میقات برمی‌شمارد و دویره الأهل و فح و محاذات مواقیت و ادنی‌الحل را نیز اضافه می‌کند.<sup>۴۵</sup>

از فقیهان دیگری که میقاتها را ده مورد دانسته، شهید در کتاب دروس است که می‌نویسد: «والمواقیت عشرة...»؛<sup>۴۶</sup> «میقاتها ده مورد است...»

هـ- تعدادی از فقها فرموده‌اند: ممکن است میقاتها یازده مورد باشد. جواهرالکلام می‌نویسد: «بل یمكن جعلها أحد عشر بنوع من الاعتبار ایضاً»؛<sup>۴۷</sup> «ممکن است میقاتها یازده مورد باشد به نحوی از اعتبار.»

با تتبع و جستجو در کتابهای فقهی ممکن است اقوال فقها از اینهم بیشتر باشد. بی‌شک اختلاف آرای فقها ریشه در اختلاف روایات دارد گرچه در برخی از کلمات فقها از مکانهایی به عنوان میقات نام برده شده که در روایات نیست؛ مثل ابن ادریس در سرائر می‌نویسد: «ومیقات أهل مصر و من سعد من البحر جدة»؛<sup>۴۸</sup> «میقات اهالی مصر و کسانی که از دریا به بالاتر بروند جده است.» لیکن این عبارت ابن ادریس بی‌شک باید توجیه شود. شاید مرادش این باشد که جده در محاذات میقات است پس به منزله میقات به شمار می‌آید. و گرنه در هیچ روایتی، جده به طور مستقل، میقات شمرده نشده است.

در هر صورت همان راههایی که برای حل تعارض ابتدایی در روایات بیان شد در اینجا نیز جاری است.

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- «...المواقیت التي وقتها رسول الله صلى الله عليه وآله فانه وقت لأهل الطائف قرن المنازل ولأهل اليمن يللمم ولأهل الشام المهيعه وهي الجحفة ولأهل المدينة ذالحليفة وهي مسجدالشجرة ولأهل العراق العقيق.»  
شیخ صدوق، سلسله ینابیع الفقهیه، کتاب الحج، ج ۷، ص ۲۰، علی اصغر مروارید، دار التراث.
- ۲- همان، ص ۴۸
- ۳- «...واعلم ان رسول الله صلى الله عليه وآله وقت لكل قوم ميقاتاً يحرمون منه، لا يجوز لهم التقدم في الإحرام من قبل بلوغه ولا التأخر عنه ... ومن كان منزله دون المواقیت فمیقاته منزله فيحرم منه والمجاور بمكة اذا أراد الحج والعمرة خرج منها الى ميقات أهله فأحرم منه فان لم يتمكن من ذلك أحرم من خارج الحرم.»  
همان، ص ۶۹
- ۴- «میقات أهل المدينة مسجد الشجرة وهو ذوالحليفة ... ومن جاور بمكة اذا اراد الحج والعمرة خرج من ميقات أهله وأحرم منه فان لم يتمكن أحرم من خارج الحرم.» سید مرتضی، جمل العلم والعمل، ص ۱۰۴
- ۵- «ویجوز لمن منزله دون الميقات أن يحرم منه ويخروج الى الميقات أفضل وميقات المجاور ميقات بلده ويجوز له أن يحرم من الجعرانة وإن ضاق عليه الوقت، فمن خارج الحرم وميقات المعتمر ميقات أهله فان اعتمر من مكة فمن خارج الحرم وميقات أهله أفضل وأهل مكة مختبرون بين سائر المواقیت.»  
ابی‌الصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۱۵۰

- ٦- «والمجاور... ان لم يتمكن من ذلك أيضاً أحرم من مسجد الحرام.»  
 شيخ طوسي، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، همان مدرک، ص ١٧٤
- ٧- «... فالمحرم من أهل الحرم و من فى حكمه بالمجاورة احرامه من بيته ومن ليس من أهل الحرم على ضربين. محرم بالحج خاصة ومحرم بحج افضى اليه من عمرة تمتع بها فالأول لا يحرم الا من الميقات والثانى يحرم من تحت الميزاب فأما العمرة فلا ينعقد الإحرام بها الا من الميقات على كل حال.»  
 أبى يعلى سلاّر، المراسم العلوية، همان مدرک، ص ٢٣٩  
 أبى يعلى (على سلاّر) المراسم العلوية، همان مدرک، ص ٢٣٩
- ٨- قاضى ابن براج، جواهر الفقه، همان مدرک، ص ٢٦٠
- ٩- «وميقات المجاور ميقات أهل بلده فان لم يتمكن فمن خارج الحرم فان لم يقدر فمن المسجد الحرام.»  
 ابن زهره، غنية النزوع الى علم الأصول والفروع، همان مدرک، ج ٨، ص ٣٩
- ١٠- ابن حمزه، الوسيله الى نيل الفضيله، همان مدرک، ص ٤٢٦
- ١١- «وميقات اهل مصر و من سعد من البحر جدّة.»  
 ابن ادريس، السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، همان مدرک، ص ٥٠١
- ١٢- «المواقيت سنة... وميقات المتمتع لحجه مكة و كل من كان منزله اقرب من الميقات فميقاته منزله وكل من حج على طريق فميقاته ميقات اهله ويجرد الصبيان من فخ.»  
 علامه حلى، مختصر النافع، همان مدرک، ص ٦٦٧
- ١٣- «واما الميقات المكاني فيختلف باختلاف الجهات فأهل مصر والشام والمغرب ومن ورائهم من أهل الاندلس والروم والتكرور ميقاتهم الجحفة... وهؤلاء يحرمون من هذا المكان عند محاذاته بجرأ لأنه لا يلزم فى الاحرام من الميقات المرور به فى البر بل المدار على أحد الأمرين اما المرور عليه او محاذاته ولو بالبحر وأهل العراق وسائر أهل المشرق ميقاتهم ذات عرق... واهل المدينة المنورة بنور النبى صلى عليه وسلم ميقاتهم ذوالحليفة... والميقات لأهل اليمن والهند يللمم... ولاهل نجد قرن... وهذا الحكم بهذا التفصيل متفق عليه بين الشافعية والحنابلة... ومن كان بمكة سواء كان من أهلها أو لا فميقاته نفس مكة ولا يطلب من غير المكى اذا كان بها ان يخرج لميقاته ولو كان الوقت متسعاً ومن كان مسكنه بعد المواقيت وقبل مكة فاحرامه يكون من مسكنه لأنه ميقات باتفاق ثلاثة.»  
 عبدالرحمن الجزيرى، كتاب الفقه على المذاهب الاربعه، ج ١، ص ٦٣٩ دار احياء التراث العربى.
- ١٤- «قالوا ان جاوز الميقات بدون احرام حرم عليه ذلك ويلزمه الدم ان لم يكن امامه ميقات آخر يمر عليه بعد والا فالأفضل احرامه من الأول فقط ان أمن على نفسه من ارتكاب ما ينافى الاحرام فان لم يأمن فالأفضل أن يؤخر الإحرام الى آخر المواقيت التى يمر بها.»  
 همان مدرک، ص ٦٤٠
- ١٥- «قالوا متى مرّ بميقات من هذه المواقيت وجب عليه الإحرام منه فان جاوزه بدون احرام حرم ولزمه دم الا اذا كان ميقات جهته امامه يمرّ عليه فيما بعد فان كان كذلك ندب له الإحرام من الأول فقط فان لم يحرم منه فلا اثم عليه ولا دم وخالف المنذوب.»  
 همان مدرک، ص ٦٤٠
- ١٦- شيخ طوسى، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، سلسلة ينابيع الفقهيه، ج ٧، ص ١٧٣
- ١٧- ابن ادريس، السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، سلسلة ينابيع الفقهيه، ج ٨، ص ٥٠٠
- ١٨- علامه حلى، منتهى المطالب، ج ٢، ص ٦٦٥
- ١٩- بقره: ١٩٧
- ٢٠- «أشهر الحج قال بعض أصحابنا ثلاثة أشهر وهى شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة وقال بعض أصحابنا شهران وتسعة أيام



- وقال بعض منهم شهران وعشرة أيام»  
ابن ادريس، كتاب السرائر، ج ١، ص ٥٣٨
- ٢١ - شيخ طوسي، النهاية، كتاب الحج، باب انواع الحج، ص ٢١٢ چاپخانه دانشگاه با ترجمه.
- ٢٢ - شيخ طوسي، الجمل والعقود، كتاب الحج، فصل في كيفية الاحرام وشرايطه، ص ١٣١ دانشگاه مشهد با ترجمه.
- ٢٣ - شيخ طوسي، الخلاف، كتاب الحج، مسأله ٣٣، ص ٢٥٨، ج ٢، مؤسسة النشر.
- ٢٤ - شيخ طوسي، المبسوط، ج ١، ص ٣٠٧، المكتبة المرتضوية.
- ٢٥ - قال قال ابوعبد الله عليه السلام: «الاحرام من مواقيت خمسة وقتها رسول الله صلى الله عليه وآله لا ينبغي لحاج ولا لمعتمر أن يحرم قبلها ولا بعدها»  
شيخ حر عاملي، وسایل الشيعه، ج ٨، كتاب الحج، ابواب المواقيت، باب ١، ح ٣، ص ٢٢٢
- ٢٦ - عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: «من تمام الحج والعمرة أن تحرم من المواقيت التي وقتها رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - لا تجاوزها إلا وأنت محرم فأنه وقت لأهل العراق ... ومن كان منزله خلف هذه المواقيت ممّا يلي مكة فوقته منزله.»  
همان مدرک، ج ٢
- ٢٧ - «اعتمر رسول الله عمر متفرقات ... و عمرة من الجعرانة بعدما رجع من الطائف من غزوة حنين.»  
همان مدرک، ج ١٠، ابواب العمرة، باب ٢، ح ١، ص ٢٣٨
- ٢٨ - همان مدرک، ج ٨، باب ٩، از اقسام حج، ج ٣ و ٦ باب ٢ از ابواب العمرة، ج ١٠
- ٢٩ - «سألت ابا عبدالله - عليه السلام - عن المرأة الحائض اذا قدمت مكة يوم التروية قال تمضى كما هي الى عرفات فتجعلها حجة ثم تقيم حتى تطهر فتخرج الى التنعيم فتحرم فتجعلها عمرة.»  
همان مدرک، ج ٨، باب ٢١ از ابواب اقسام الحج، ج ٢، ص ٢١٤
- ٣٠ - «عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال: من اراد ان يخرج من مكة ليعتمر احرم من الجعرانة او الحديبية او ما اشبهها.»  
همان مدرک، ج ٨، از ابواب المواقيت، باب ٢٢، ح ١، ص ٢٤٧
- ٣١ - همان مدرک، باب ١٨ از ابواب المواقيت، ح ١، ص ٢٤٣
- ٣٢ - «قال قلت لابي عبدالله - عليه السلام - من أين أهل بالحج فقال ان شئت من رحلك وان شئت من الكعبة وان شئت من الطريق.»  
همان مدرک، باب ٢١ از ابواب المواقيت، ح ٢، ص ٢٤٦
- ٣٣ - «عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال من أقام بالمدينة وهو يريد الحج شهراً أو نحوه ثم بدا له أن يخرج في غير طريق المدينة فإذا كان حذاء الشجرة والبيداء مسيرة ستة أميال فليحرم منها.»  
همان مدرک، باب ٧ از ابواب المواقيت، ح ٣، ص ٢٣٠
- ٣٤ - همان مدرک، ج ٨، ابواب المواقيت، باب ٣٢، ح ١، ص ٢٤٧
- ٣٥ - «قال سألت أبا عبدالله - عليه السلام - عن رجل جعل لله عليه شكرًا أن يحرم من الكوفة قال فليحرم من الكوفة وليف لله بما قال.»  
وسایل الشيعه، باب ١٣ از ابواب المواقيت، ح ١، ص ٢٣٦
- ٣٦ - همان مدرک، ج ٢ و ٣، ص ٢٣٧
- ٣٧ - «والأظهر الذي يقتضيه الأدلة وأصول مذهبنا أن الاحرام لا يتعد الآ من الميقات سواء كان منذوراً أو غيره ولا يصح التذر بذلك أيضاً لأنه خلاف المشروع.»
- ٣٨ - «قد اختلف كلمات الأصحاب في تعدادها فعن المنتهى والتحرير أنها خمسة.»  
آية الله فاضل لنكراني، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، كتاب الحج، ص ١٨، مركز نشر.

- ٣٩ - علامه حلى، منتهى المطلب، ج ٢، ص ٤٦٥، ناشر چاپ نشر.
- ٤٠ - علامه حلى، تحرير الاحكام، ج ١، ص ٩٤، مؤسسه طوس.
- ٤١ - «المقام الاول فى اقسامها والمشهور فى كلام الاصحاب انها ستة كما سيأتى ذكرها فى الاخبار.»  
محدث بحراني، الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، ج ١٤، ص ٤٣٤، مؤسسة النشر الإسلامى.
- ٤٢ - محقق حلى، جواهرالكلام فى شرح شرايع الاسلام، ج ١٨، ص ١٠٢، دار احياء التراث العربى.
- ٤٣ - شهيد اول، لمعة دمشقيه، سلسلة ينابيع الفقيهيه، ج ٨، ص ٧٨٢، دارالتراث.
- ٤٤ - آيةالله فاضل لنكرانى، تفصيل الشريعة، كتاب الحج، ج ٣، ص ١٨.
- ٤٥ - سيد محمدكاظم يزدى، عروة الوثقى، ج ٣، چاپ اسلاميه.
- ٤٦ - شهيد اول، الدروس الشرعية فى فقه الاماميه، ص ٩٤، انتشارات صادقى - قم.
- ٤٧ - شيخ محمدحسين نجفى، جواهرالكلام فى شرح شرايع الاسلام، ج ١٨، ص ١٠٣، دار احياء التراث العربى.
- ٤٨ - ابن ادریس، كتاب السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، ج ١، ص ٥٢٩، مؤسسة النشر الاسلامى.